

نتیجه

چین در افغانستان تحت حاکمیت گروه طالبان، دارای منافع استراتژیک امنیتی-اقتصادی است که به صورت پیچیده‌ای به یکدیگر گره خورده‌اند. در وهله اول باید گفت؛ چین به این درک دست یافته که برای اهداف اقتصادی در افغانستان به یک دولت دارای توانمندی برقراری ثبات و امنیت نسبی نیازمند است. چین با مینا قراردادن این پیش فرض، برقراری ارتباط نزدیک با طالبان و همکاری با این گروه را در دستور کار خود قرار داده است و از نظر سیاسی در نهادهای بین‌المللی مکرراً با تحریم‌ها و بلوکه شدن دارایی‌های افغانستان توسط ایالات متحده و غرب مخالفت می‌کند. از نظر چین، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی غرب به فروپاشی اقتصاد شکننده افغانستان منجر می‌شود که خود، علت افزایش بی‌ثباتی و رشد تروریسم خواهد بود. افزایش بی‌ثباتی و رشد تروریسم در افغانستان به منزله تعبیه شدن فضای تنفس و بازیابی توان برای جنبش اسلامی ترکستان شرقی خواهد بود که مهم‌ترین دغدغه امنیتی پکن محسوب می‌شود. عطف به این شرایط می‌توان گفت که چین شرط لازم برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود را در افغانستان، تثبیت حاکمیت طالبان در کنار اصلاح رفتار این گروه در افغانستان می‌داند. با این حال تجربه کم حکومت‌داری این گروه به همراه سابقه ارتباط با گروه‌های شبه‌نظامی در درس‌ساز، سبب شده تا چین همچنان در ارتباط با طالبان، جانب احتیاط را رعایت کرده و صبر استراتژیک در پیش گیرد. به همین سبب

چین به این درک دست یافته که برای نیل به اهداف اقتصادی در افغانستان به یک دولت دارای توانمندی برقراری ثبات و امنیت نسبی نیازمند است

صادرات کالا از افغانستان به چین از طریق خطوط هوایی

